



The Legal Rulings Governing Prisoners of War in the Islamic Schools of Jurisprudence: Uniformity or Divergence?

Mohammad Zereshgi*¹

1. Department Of Law, Par.C, Islamic Azad University, Pardis, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 87-103

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0002-4120-5216

Email: zereshgi@iau.ac.ir

Article history:

Received: 14 Jun 2025

Revised: 26 Aug 2025

Accepted: 18 Oct 2025

Published online: 20 Feb 2026

Keywords:

Prisoner of War, Enslavement, Release without Consideration, Ransom or Exchange, Rules Governing Prisoners of War, Right to Self-Determination.

ABSTRACT

A study of history reveals that war, violence, and bloodshed have been unavoidable realities of human existence. Efforts undertaken by reformers to confront this destructive phenomenon, which threatens both human life and human dignity, have not succeeded in eliminating war or rendering it obsolete. It may confidently be asserted that divine religions and religious reformers have been among the strongest advocates for the rejection of war and violence, particularly Islam and the Noble Prophet Muhammad (PBUH), the bearer of divine revelation who conveyed God's message to humanity, as well as the Prophet's successors, the revered Imams (peace be upon them), who fulfilled and continue to fulfill the mission of guidance in its entirety. As a religion of peace and compassion, Islam has not remained silent regarding issues associated with war, including its objectives, foundations, and governing principles. Rather, drawing upon a historical legacy spanning more than fourteen centuries and taking into account the temporal and spatial circumstances of its formative period, Islamic law has adopted approaches that may be regarded as pioneering in relation to contemporary international legal norms in this field. Employing a descriptive-analytical and comparative methodology, the present study seeks to answer the following question: What is the nature of the relationship between the opinions and legal views of Muslim jurists, both Sunni and Shi'a, concerning the treatment of prisoners of war? The findings suggest that although Muslim jurists generally agree on the fundamental rights of prisoners of war, certain disagreements exist regarding the legal rulings applicable to them. While Islamic jurisprudence offers diverse approaches to the treatment of prisoners of war, it must be emphasized that decisions concerning their fate have, at all times, been entrusted to the legitimate government and competent authorities. Furthermore, it should be recognized that no prisoner of war, under any circumstances, becomes the personal property or captive of the individual or group responsible for his capture.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Zereshgi, M (2026). "The Legal Rulings Governing Prisoners of War in the Islamic Schools of Jurisprudence: Uniformity or Divergence?". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(5): 87-103.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۴

احکام اسیران جنگی از منظر مذاهب اسلامی؛ تجانس یا عدم تجانس؟

محمد زرشکی*

۱. گروه حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

جنگ به‌عنوان یک پدیده اجتماعی را می‌توان از دیدگاه‌های تاریخی، حقوقی، جامعه‌شناسی، فلسفی، اخلاقی، سیاسی - نظامی، اقتصادی و ... مورد بحث و بررسی قرار داد. همچنین می‌توان از جنگ به‌عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباط بین ملت‌ها یاد نمود و تاریخ این نکته را بیانگر است که انسان‌ها از ۳۴۰۰ سال تاریخ مدون، صرفاً ۲۵۰ سال را در صلح عمومی به سر برده‌اند، اما به جرأت می‌توان ادعا کرد ادیان الهی و مصلحان مذهبی از جدی‌ترین مدافعان نفی جنگ و خشونت هستند، به‌ویژه دین مبین اسلام و پیامبر عظیم الشأن (ص) که منادی وحی است و کلام و پیام خداوند را به مردم ابلاغ می‌کند و نیز تداوم‌دهندگان راه پیامبر (ص)، یعنی امامان بزرگوار که رسالت هدایت را تمام و کمال به انجام رسانده و خواهند رساند. اسلام به‌عنوان دین صلح و مودت نه‌تنها نسبت به موضوعات مرتبط با جنگ، اهداف، مبانی و اصول آن سکوت نکرده است، بلکه با یک سبقه تاریخی چهارده قرن و باتوجه به مقتضیات زمانی و مکانی خاص آن دوران توانسته است نسبت به حقوق بین‌الملل در این عرصه پیشرو باشد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و تطبیقی در پی پاسخ به این سؤال است که چه نسبتی بین آرا و نظرات فقهای مسلمان (اهل تسنن و شیعه) در شیوه رفتار با اسیران جنگی وجود دارد؟ به‌نظر می‌رسد برخلاف اتفاق نظر در مورد حقوق اسیران جنگی از منظر فقهای مسلمان، در مورد احکام اسیران جنگی بین ایشان بعضاً اختلاف نظرهایی وجود دارد، هرچند شیوه برخورد با اسرای جنگی در فقه متنوع است، اما در هر صورت باید این نکته را در نظر داشت که تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت اسرا در هر برهه‌ای از زمان به حکومت و مقامات صالح سپرده شده است و باید به این نکته توجه نمود که هیچ اسیری، تحت هیچ عنوانی اسیر فرد یا گروهی که او را به اسارت گرفته نمی‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۷-۱۰۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۵۲۱۶-۴۱۲۰-۴۰۰۹-۰۰۰۹

ایمیل: zeresghi@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

اسیر جنگی، استرقاق، من و فداء، احکام

اسیران جنگی، حق بر سرنوشت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

رعایت موازین انسان‌دوستانه در جنگ یکی از آموزه‌های قرآن کریم و از توصیه‌های مؤکد سنت نبوی و سیره علوی بوده است، لذا فقیهان و اندیشمندان مسلمان تلاش نموده‌اند تا مبانی و پایه آن را از این آموزه‌ها و رفتارها دریافت نمایند.

اسلام زمانی ظهور نمود که جنگ، جهالت، بردگی و استعمار در سراسر جهان وجود داشت و در آن دوران زور حرف اول و آخر را می‌زد. در پاسخ به این که برخی معاندین اسلام اعلام می‌دارند که قواعد این دین پویا نیست، باید اذعان نمود که فقهای مسلمان مکلف هستند که با تحقیق و تتبع احکام ثانویه به واسطه پویایی مداوم تحولات اجتماعی، راهی برای حل معضلات جدید بیابند.

پیش از اسلام و در میان سایر ملت‌ها و اعراب جاهلی، اسرا همانند یک شیء و مال تلقی می‌شدند که این دیدگاه باتوجه به عنایت کریمانه دین اسلام و تأکیدات فراوان این دین بر رفتار انسانی و احترام به اسرا اصلاح گردید، یقیناً اعتقاد آموزه‌های اسلامی بر کرامت ذاتی انسان، در تحقق این مهم بسیار اثرگذار است. همان‌طور که در قرآن کریم تصریح شده است «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» انسان موجودی است که ملائکه برایش سجده کرده‌اند «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ» و امانت‌دار امانت الهی است: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ... وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» و موجب تبریک خداوند به خودش «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»؛ در دین اسلام قاعده این است که مادامی که مجوز شرعی و قانونی وجود نداشته باشد، کرامت انسان‌ها نباید خدشه‌دار شود. این قاعده کلی را می‌توان نسبت به اسرای جنگی نیز تعمیم داد، چراکه اسیر نیز انسان است و تا زمانی که خودش موجب شکسته‌شدن حریمش نشود، باید حیثیت او تکریم شود، چراکه اساساً در دین اسلام هدف از جنگ و جهاد نه اغراض شخصی و امیال نفسانی، بلکه مقابله با ظلم و ستم و برقراری عدالت در جامعه، دفاع از مظلومان و مستضعفان و ... است.

در مقابل تحرکات سیاسی و غیرمنصفانه‌ای که از جانب جوامع غربی برای خدشه‌دار نمودن چهره نورانی دین مبین اسلام و اهداف والای انسانی آن می‌شود، می‌بایست به

مطالعه دقیق و عمیق منابع اسلامی پرداخته شود. برخی از معاندان غربی حقوق بشردوستانه را محصول نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد دانسته و آن را به خود منتسب می‌نمایند، این در حالی است که کاملاً یک ادعای مغرضانه، غیرمنطقی و غیرواقع‌بینانه است. با ملاحظه دوران صدر اسلام به روشنی مبرهن می‌گردد که حقوق بشردوستانه در گذشته ریشه داشته و در طی تاریخ تحت تأثیر مفاهیم مذهبی و نظریات فلسفی به‌ویژه نظریات اسلامی بوده است (البته برخی از اندیشمندان حقوق بشردوستانه غربی معتقدند که بسیاری از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه دارای ریشه عمیق در سنن اسلامی است).

ماهیت جنگ در اسلام: در اسلام، جنگ تجاوزگرانه و جنگ به قصد انتقام‌جویی و خونریزی (بقره/۱۹۴-۱۹۰)، جنگ بدون دعوت به حق و اتمام حجت (نحل/۱۲۵؛ عنکبوت/۴۶؛ طه/۱۳۴)، جنگ پس از قبول اسلام، جنگ با کسانی که آمادگی انعقاد قرارداد صلح را دارند (ممتحنه/۹-۸)، جنگ برای سلطه‌طلبی و کسب قدرت (قصص/۸۳؛ نهج‌البلاغه/۱۴۱۴: ۱۵۱، خطبه ۱۳۱) و کسب منافع مادی و به‌دست‌آوردن غنیمت (نساء/۹۴) و تحمیل عقیده (بقره/۲۵۶؛ یونس/۹۹) ممنوع است. در دین اسلام پایه و اساس صلح است و جنگ یک امر استثنا بر قاعده تلقی می‌شود، لذا فلسفه تشریع جنگ در این دین مبین صرفاً قتل کافران و خونریزی نیست، بلکه هدف، دفع تجاوز دشمن و رفع نمودن موانع از گسترش دعوت اسلامی است. در این راستا استاد احمد رشید بیان می‌دارد که هدف غایی و فلسفه حقیقی جهاد در اسلام صلح قطعی بشریت است که تحت تبعیت آیین یگانه‌پرستی قرار می‌گیرد (رشید، ۱۳۵۳).

۱- مفهوم اسیر در نظرات فقهای مسلمان

کلمه اسیر و مشتقات آن در پنج آیه شریفه، ۲۶ سوره احزاب، ۸ سوره انسان، ۶۷ و ۷۰ سوره انفال و ۸۵ سوره بقره آمده است. اکثر فقیهان مسلمان درصدد تعریف واژه اسیر برنیامده و بیشتر معنای لغوی آن را در نظر گرفته‌اند. اسیر در لغت به معنای بستن و دربند کردن و نیز به معنای مفعولی بسته‌شدن می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۱۴)، اما در فقه، اصطلاحاً اسیر به فرد یا افرادی اطلاق می‌شود که در جنگ به وسیله نیروهای فاتح

همچنین صاحب جواهر از اسکافی روایت کرده است که امام نسبت به اسیر در حال جنگ نیز اختیار دارد که آزادش نماید و از جمله فقهایی که با رأی مشهور فقیهان شیعه همسو نیست، ابوصلاح حلبی از فقیهان قرن چهارم است که می‌گوید در صورت جنگ با کافران اگر فردی از کفار اسیر شود، در ابتدا باید به اسلام فراخوانده شود و اگر اسلام آورد، آزاد می‌شود و اگر هم نپذیرفت باید بین دو فرض قائل به تفکیک شد: ۱- اگر در حین جنگ به اسارت درآید، امام مختار است بین قتل و فداء گرفتن از او؛ ۲- اگر پس از پایان جنگ اسیر شود، امام مخیر است بین یکی از سه حکم رق، من و فداء و قتل اسیر جایز نیست. ابوصلاح در ادامه اشاره می‌نماید که آزاد نمودن اسرا بدون اخذ فدیة صرفاً در حیطه اختیار امام عادل است، ولی آزادسازی با فدیة و رق برای غیر از امام عادل نیز جایز است (حلبی، ۱۴۰۳). پس از ذکر کلیات فوق، در ادامه به صورت خاص به نظرات هریک از فقهایی شیعه در مورد احکام اسیران جنگی خواهیم پرداخت.

۲-۱- ابوصلاح حلبی

ابوصلاح حلبی از فقهایی قرن چهارم می‌نویسد: «هنگامی که مسلمانان کافری را اسیر کنند، در آغاز اسلام بر او عرضه کنند و او را بدان ترغیب نمایند، پس اگر اسلام اختیار کرد آزاد می‌شود، ولی اگر از پذیرش اسلام سر باز می‌زند و در حال جنگ به اسارت درآمده، امام مخیر است که او را بکشد و یا به دار آویزد و یا با دریافت فدیة آزادش سازد، ولی اگر پس از پایان یافتن جنگ دستگیر شده باشد، قتل او جایز نیست و امام مختار است که او را برده کند و یا با گرفتن فدیة و یا بدون چشم‌داشت مادی آزادش سازد، البته آزادی بدون فدیة از اختیارات مخصوص امام عادل است، ولی برده ساختن و فدیة گرفتن، برای غیر امام نیز جایز است»^۱ (حلبی، ۱۴۰۳). نکته مهمی که در عبارت فوق به چشم می‌خورد، این است که فردی که پیش از پایان یافتن جنگ دستگیر شده، منحصرأ محکوم به مرگ نیست، بلکه امام می‌تواند او را نیز با گرفتن فدیة آزاد سازد و این مطلبی است که با سیره پیامبر (ص) در مورد اسرای بدر - که آنان نیز پیش از پایان یافتن جنگ دستگیر شده بودند و پیامبر

دستگیر به پشت جبهه انتقال داده شوند. شاید دلیل کاربرد اصطلاح مذکور این باشد که در گذشته معمولاً افراد دستگیر شده را با طناب یا چیز دیگری می‌بستند تا امکان هرگونه مقاومت و فرار از آنان سلب گردد، اما به تدریج واژه اسیر بر هر فرد دستگیر شده در جنگ، هرچند نیازی به بستن وی نباشد، به کار گرفته شد. آنچه که باید مورد عنایت قرار گیرد، این است که در کلمه اسیر، شأنیت بسته شدن اعتبار شده است و نوعاً در خصوص افرادی به کار می‌رود که توان جنگ دارند و دستگیری آنان نیاز به قید و بند دارد، اما به افرادی که دستگیری آنان نیاز به بستن نداشت، مانند زنان، اطفال و پیرمردان که پس از شکست نیروهای مبارز در اختیار دشمن قرار می‌گیرند، «سبایا» اطلاق می‌شده است. شیخ طوسی (ره) فرموده است: «اسیر کردن به معنای بستن جنگجوی دشمن با چیزی است که به سبب آن در اختیار اسیرکننده اش قرار می‌گیرد» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰). در «تفسیر المیزان» نیز همان معنا مورد تأکید قرار گرفته است با این استدلال که زنان، کودکان و سالخوردگان اصطلاحاً اسیر نامیده نمی‌شوند (طباطبایی، ۱۳۶۳). ماوردی در «احکام السلطانیة» می‌نویسد: «اسیران، مردان کافر جنگجویی هستند که مسلمانان بر آن پیروز شده‌اند و آن‌ها را زنده دستگیر کرده باشد» (ابراهیمی، ۱۳۹۱). راغب اصفهانی در المفردات می‌نویسد: «اسیر به معنای بستن است و شخص دستگیر شده را به خاطر این که در بند قرار دارد، اسیر می‌گویند، ولی به تدریج این واژه در مورد هر دستگیر شده‌ای به کار رفته، هرچند که در بند نبوده باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶).

۲- احکام اسیران جنگی از منظر فقهایی متقدم شیعه

علمای شیعه اصولاً در نظریات و فتاوی خویش، توجهی ویژه به مسأله اسیران جنگی دارند که بیان تمامی آن‌ها در این مقوله نمی‌گنجد. از این رو خطوط کلی آرای فقهایی شیعه در خصوص احکام اسیران جنگی را ذیلاً منعکس می‌نماییم.

فقهایی پیش از شیخ طوسی هیچ فرقی بین اسرای قبل از پایان جنگ و بعد از آن قائل نیستند، چنان که علامه حلی در کتاب «مختلف» از ابن ابی عقیل روایت می‌کند که: «زمانی که مؤمنان بر کافران پیروز شده و آن‌ها را اسیر نمایند، امام مختار است که بالغان آن‌ها را به بردگی گرفته یا مطابق آیه ۴ سوره مبارکه محمد آن‌ها را آزاد نماید» (احمدی میانجی، ۱۴۲۲).

^۱ - در مختلف الشیعه علامه حلی به جای جمله «بعدها وضعت الحرب اوزارها» آمده است: «کان اسره قبل انقضاء الحرب...».

(ص) آنان را آزاد فرمود - تناسب بیشتری دارد. بنابراین گفتار ابوصلاح حلبی - که از بزرگان و فقهای متقدم شیعه به‌شمار می‌آید - می‌تواند تکمیل‌کننده گفتار دیگر فقهای باشد که در این مسأله بحث کرده و گرفتن فدیة را برای امام متذکر نشده‌اند، هرچند احتمال این‌که دیگر فقها عمل پیامبر (ص) را در جنگ بدر «قضیه‌ای شخصی» تلقی نموده باشند نیز مطرح است (ابراهیمی، ۱۳۹۱).

۲-۲-۲- شیخ طوسی

از نظر شیخ طوسی دو نوع اسیر داریم: ۱- اسیرایی که پیش از پایان جنگ به اسارت درمی‌آیند که امام درخصوص آنها بین دو حکم مخیر است: - قتل؛ - قطع دست و پا تا حدی که آنقدر از اسیر خون برود که بمیرد؛ ۲- اسیرایی که بعد از خاتمه جنگ به اسارت درمی‌آیند و امام در مورد آنها بین سه حکم مخیر است: - منت‌نهادن؛ - استرقاق؛ - فدیة گرفتن. شیخ طوسی در کتاب مبسوط بیان می‌دارد که زنان و کودکان به صرف اسیرشدن به بردگی درمی‌آیند، اما امام در مورد مردان بالغ که پیش از خاتمه جنگ به اسارت درمی‌آیند، اختیار دارد بین دو گزینه قتل و یا قطع دست و پا و متعاقباً مرگ، مگر آن‌که این دسته از مردان بالغ اسیر مسلمان شوند که در این صورت احکام مزبور از آنها ساقط می‌شود، اما اگر اسارت پس از خاتمه جنگ باشد، همان‌طور که در فوق آمد، شیخ طوسی معتقد است که امام حق قتل نداشته و بین سه حکم دیگر مخیر است و در اعمال این سه حکم باید حتماً مصلحت جامعه اسلامی را مد نظر داشته باشد، اما اگر در چنین فرضی نیز اسیر مسلمان شود به جز قتل هیچ یک از سه حکم دیگر درخصوص اسیر ساقط نمی‌شود، البته برخی معتقدند که اگر اسیر مسلمان شود حکم بنده‌شدن نیز از او ساقط می‌شود (شیخ طوسی، ۱۳۸۷).

۲-۳- محقق حلی

از منظر محقق حلی که در کتاب خود تحت عنوان «فی الاساری» نیز بیان شده است، اسرا را می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی نمود: ۱- زنان و کودکان که به مجرد اسیرشدن مملوک شده و به بردگی درمی‌آیند؛ ۲- کودکانی که ذهن در تشخیص بلوغشان دچار تردید شوند؛ ۳- مردان بالغ که دارای

احکام متمایز هستند که خود این مردان بالغ به دو دسته تقسیم می‌شوند، به ترتیب ذیل: ۱- اسیرایی که پیش از خاتمه جنگ و تسلیم اسیر شده‌اند که در چنین فرضی امام بین کشتن آنها و یا بریدن دست و پایشان به اندازه‌ای که خون رفته از بدنشان منجر به مرگشان شود، مخیر است؛ ۲- اسیرایی که بعد از خاتمه جنگ اسیر شده که در چنین فرضی امام آنها را به قتل نمی‌رساند و بین سه حکم من، فدیة و بنده‌نمودن مخیر است (محقق حلی، ۱۳۸۹: ۳۱۷/۲)، البته اگر پس از اسیرشدن مسلمان شوند، حکم بردگی آنها ساقط می‌شود. از منظر محقق حلی درصورتی‌که اسیر ناتوان از راه‌رفتن باشد، قتل او واجب نیست، حتی خلاف احکام است، چراکه از حکم امام درباره او آگاه نیست، درصورتی‌که مسلمانی قبل از حکم امام چنین اسیری را به قتل برساند، خونس هدر است و قصاص و دیه لازم نمی‌شود. نهایتاً این‌که صاحب شرایع درخصوص رفتار با اسرای جنگی بیان می‌دارد که: «باید به اسیر آب و غذا بدهند، گرچه قصد قتل او را داشته باشند، قتل اسیر درحالت گرسنگی و تشنگی کراهت دارد و برخی گفته‌اند باید او را ببندند و با تیر یا سنگ هدفش قرار دهند تا این‌که کشته شود و نیز جدانمودن سر اسیر از محل قتل، کراهت دارد» (حجازی، ۱۳۹۴).

۲-۴- علامه حلی

از منظر علامه حلی اسیران دو دسته هستند: ۱- مردان؛ ۲- زنان. زنان و کودکان به محض اسارت برده شده و کشتن آنها به اتفاق نظر فقیهان جایز نیست، چراکه پیامبر (ص) از قتل زنان و کودکان نهی می‌کرد، اما مردان بالغ و آزاد، اگر پیش از خاتمه جنگ و نزاع اسیر شوند، نگه‌داشتن آنها جهت اخذ فدیة، استرقاق و ... جایز نیست، بلکه امام اختیار دارد بین قتل آنها و بین قطع دست و پای آنها به‌صورت مخالف و رهاکردنشان تا این‌که به حدی از آنها خون جاری شود که بمیرند، اما اگر پس از خاتمه جنگ و کشتار اسیر شوند، قتل آنها جایز نبوده و امام بین سه حکم اختیار دارد: ۱- آزادی بدون منت؛ ۲- آزادی با فدیة؛ ۳- استرقاق. فقهای مسلمان بر این سه حکم اجماع دارند. فقیهان درباره حرمت قتل اسیری که پیش از اسارت یا پس از اسارت اسلام آورد، اجماع نظر دارند. علامه حلی ضمن بیان نظرات مختلف فقیهان

برپایی جنگ گرفتار شد باید کشته شود و اگر بعد از پایان جنگ اسیر شد امام میان من، فداء و استرقاق مخیر است و کشتن جایز نیست (فاضل مقداد، ۱۳۴۳).

۲-۸- صاحب جواهر

از منظر صاحب جواهر که از فقهای شهر شیعی است، در مورد اسیرایی که پس از جنگ دستگیر شده‌اند، امام بین آزادی بدون عوض، آزادی با عوض و بردگی مخیر است، اما قتل اسیر جایز نیست، اما اگر مردان بالغ دشمن در حین منازعه اسیر شوند، حکمشان صرفاً اعدام است (نجفی، ۱۴۳۰).

۳- احکام اسیران جنگی از منظر فقهای متأخر شیعه

احکامی که قرآن کریم برای اسیران بیان کرده، به دو صورت «من و فداء»، یعنی آزادی با فدیة و یا بدون فدیة، قابل اجراست، اما فقیهان شیعه با استناد به روایات، احکام دیگری را نیز بیان کرده‌اند و آن به برده‌گرفتن اسیران و کشتن آنان است. بزرگان فقه شیعه، نظیر شیخ طوسی در «مبسوط» و «نهایه»، محقق در «شرایع» و صاحب جواهر در این خصوص نظرهای مشابهی ارائه کرده‌اند (سلیمی، ۱۳۹۲).

شگفت این‌که در مسأله اسیران، فقهای شیعه از جهتی از فقهای اهل سنت نیز نظریه خشونت بارتری را ارائه داده‌اند، هرچند از جهتی نیز فقهای شیعه نظریه معتدل‌تری را مطرح ساخته‌اند، چه این‌که این‌ها بین اسیرانی که قبل از فروزیزی جبهه دشمن به اسارت درآمده با اسیران جبهه دشمن بعد از فروپاشی، تفکیک قائل شده‌اند. نظر مشهور فقهای شیعه در مورد اسیران قبل از پایان جنگ این است که راهی جز کشتن در مورد آنان وجود ندارد، ولی اسیران بعد از فروپاشی جبهه دشمن را به هیچ عنوان نباید کشت و حاکم اسلامی تنها می‌تواند آن‌ها را بدون فداء و یا با فداء آزاد سازد و در صورت لزوم آن‌ها را برده قرار دهد، لذا رای فقهای شیعه در مورد اسیران بعد از اتمام جنگ، هرچند از رأی فقهای اهل سنت برتر است، ولی در مورد گروه نخست شدیدتر و خشن‌تر است. عموم فقهای شیعه در مورد کشتن اسیر می‌گویند، کشتن اسیر بعد از جنگ جایز نیست، ولی درحین جنگ باید کشته

درباره قتل اسیران، فتوا به حرام‌بودن قتل اسیری داده است که بعد از خاتمه جنگ خطری از جانب وی متوجه مسلمانان نیست. وی در کتاب تبصره المتعلمین درخصوص جهاد جهاد می‌فرماید: «اگر اسیری از کافران محارب که در حال جنگ با مسلمین است، قبل از خاتمه جنگ اسیر شود و اسلام نیاورد، به قتل خواهد رسید و زن و بچه‌هایش تحت سرپرستی و قیمومت حکومت اسلامی درخواهند آمد، اما اگر بعد از خاتمه جنگ مردانشان به اسارت درآیند، قتل آن‌ها جایز نیست.» در فرض اخیر امام مسلمین اختیار دارد که اسیر را در خدمت مسلمانان نگه داشته یا این‌که با اخذ فدیة و غرامت جنگی آزادش سازد یا این‌که بدون اخذ فدیة او را آزاد کند (علامه حلی، ۱۳۷۲).

۲-۵- شهید اول (مکی عاملی)

از نظر شهید اول اسرای زن و کودک به محض اسارت، برده شده، اما مردان بالغ پس از اسارت و در فرضی که جنگ ادامه دارد و مسلمان هم نشدند، حتماً باید به قتل رسیده، اما اگر بعد از جنگ اسیر شوند، امام بین سه حکم من، فداء و رق مخیر است (مکی عاملی، ۱۴۱۷).

۲-۶- شهید ثانی (عاملی جبعی)

از منظر شهید ثانی، در صورتی که مردان بالغ را بعد از اتمام نبرد و پایان یافتن آشوب جنگ اسیر کنند، آن‌ها را نمی‌کشند، بلکه به امام تحویل داده و امام مخیر است در این‌که بر آن‌ها منت گذارد و بدون گرفتن چیزی آزادشان نماید یا مالیات و فداء گرفته و رهایشان کند و یا آن‌ها را به بردگی مسلمین درآورد، اعم از این‌که کافر حربی بوده یا کتابی، در نتیجه اگر پس از انقضای جنگ، از کافران اسیر گرفتند، او را به امام سپرده و ایشان بر طبق مصلحت یکی از سه حکم ذیل را اجرا می‌نمایند: ۱- آزادی پس از منت‌نهادن و بدون دریافت فدیة؛ ۲- آزادی پس از اخذ فدیة و مالیات به میزان مصلحت؛ ۳- برده‌نمودن اعم از این‌که اهل کتاب باشند یا کافر حربی (حجازی، ۱۳۹۴).

۲-۷- فاضل مقداد

از نظر فاضل مقداد اغلب فقهای شیعه معتقدند که کشتن اسیری که پس از پایان جنگ به اسارت درآمده است، جایز نیست. از اهل بیت (ع) نقل شده است که اگر اسیر در حال

شود^۱ (ترمذی، ۱۴۲۶) و امام در کیفیت کشتن مخیر است نه در اصل کشتن (میرشریفی، ۱۳۹۵). شیخ طوسی (ره) در کتاب «مبسوط و نهایی» محقق حلی در «شرایع» و شیخ حسن نجفی در «جواهر» در معنای فوق اتفاق نظر دارند (ابراهیمی، ۱۳۹۲).

۳-۱- محمدجواد مغنیه

از نظر وی باید به آن چه مصلحت اقتضا می کند، عمل گردد. اگر اسیر آزاد شود و از ناحیه او امنیت نباشد، باید کشته شود، ولی در جایی که مسلمانان از شر و زیان او در امان باشند، جایز است آزاد گردد. افزون بر آن که امیرالمؤمنین علی (ع) بر عمرو بن عاص و بسر بن أرطاه و مروان بن حکم منت گذارد و رهایشان کرد با آن که از شر و حيله آنان در امان نبود و به طور قطع ثابت است که دو نفر نخست را در حالی آزاد ساخت که جنگ برپا بود (مغنیه، ۱۴۲۱).

۳-۲- امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) هم از باب حاکم نظام جمهوری اسلامی ایران و هم از باب یک مرجع تقلید مسلم دارای دیدگاه های جامعی نسبت به مسائل مرتبط با جنگ، دفاع و اسیران جنگی می باشند. در این قسمت بنا داریم دیدگاه های فقهی حضرت امام نسبت به حقوق اسرا را تبیین نماییم. در راستای استفتائاتی که از ایشان صورت گرفته است، حضرت امام (ره) معتقدند که اموال شخصی اسرا را نباید از آنان گرفت و صرفاً ادوات جنگی را باید از چنگ آنان درآورد و به مسؤولین مربوطه تحویل داد. امام خمینی (ره) در همین زمینه معتقدند که اموال اسرا مخصوص خودشان است و رسیدگی به آنها موکول به تصمیم دولت اسلامی می باشد و از غنایم محسوب نمی شود. ایشان همچنین هرگونه اهانت نسبت به اسرا را ممنوع اعلام نموده و معتقدند که باید با اسرا با اخلاق اسلامی رفتار شود. همچنین درخصوص حکم قتل اسرا طی سؤالی از ایشان پرسیده شده است که تا چه زمانی می توان اسیران را کشت؟ تکلیف ما در رابطه با آن عراقی هایی که گاهی تا آخرین گلوله می جنگند و سپس تسلیم می شوند چیست؟ آیا اسیرانی که به پشت خط منتقل می کنند را به

هیچ وجه نمی توان کشت؟ حتی اگر یقین داشته باشیم که فردی یا افرادی از ما را کشته است؟ اگر جایز نیست حکم قتل این نوع اسرا چیست؟ آیا قتل نفس محترم است یا نه؟ ایشان در پاسخ فرموده اند: با اسرا پس از تسلط یافتن می بایست با اخلاق اسلامی رفتار نمایند.^۲

۳-۳- احمدی میانجی

از منظر این فقیه شیعه و وفق آموزه های فقهی اسلامی قتل اسیر ممنوع بوده و صرفاً با حکم امام و رهبر مسلمین، آن هم در شرایط خاص امکان پذیر است. اگر فردی اقدام به کشتن اسیر کند، قاتل بوده و مجازات می شود و بنا به نظر بعضی از فقها، قاتل باید به پرداخت دیه بپردازد (احمدی میانجی، ۱۴۲۲).

۳-۴- آیه... منتظری

«امکان دارد حکم به قتل اسیران در زمانی که جنگ دایر است اختصاص به موقعی داشته باشد که نگه داشتن اسیران محذور و خطر بسیج شدن و تهاجم مجدد را دارد، همان گونه که در جنگ های صدر اسلام چنین بوده است، چون که امکانات در آن زمان بسیار محدود بوده و در هنگام برپایی جنگ نگهداری آنان مشکل بوده است، پس در هر زمان و موقعیتی که چنین باشد به ناچار برای پرهیز از خطر محتمل، قتل اسیران متعین است» (منتظری، ۱۳۸۸).

۳-۵- سیدمحمدحسین فضل الله

در کشتن اسیر هنگام برپایی جنگ اشکال کرده و پس از نقد و بررسی مفصل فرموده است، به روایت طلحه بن زید با آن همه اضطراب و تشویش در متن و نسخه بدل ها نمی توان استناد کرد. آیات سوره انفال و محمد نیز ربطی به کشتن اسیر ندارد. باری، به نظر می رسد چون طلحه بن زید از عامه و یا بُتریه از فقه زیدیه و نیز اهل شام بوده، آگاهی زیادی از مذهب تشیع نداشته و گویا روایت مذکور را نقل به معنی کرده و در نقل او کم و زیاد رخ داده و در نتیجه روایت دچار اضطراب و ابهام شده است. مؤید این نظر فقیه متبحر استاد سیدموسی شبیری زنجانی است، ایشان می فرمایند: «تمامی

^۱- برخی از فقه های اهل سنت نیز به همین تفصیل قائل هستند.

^۲- <http://www.imam-khomeini.ir>

نوشتن به ده نفر از اطفال مسلمانان آزاد شوند (هاشمی بصری، ۱۴۱۰). این در حالی بود که بعضی دیگر در برابر آزادی خود، چهار هزار درهم پرداخته بودند و افراد نیازمند و فقیر بدون پرداخت فدیة آزاد شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶).

۴- دیدگاه مشهور فقهای امامیه درخصوص زنان و کودکان
مطابق نظر مشروح فقیهان شیعه، زنان و اطفال حتی در فرض معاونت یا رزمنده بودن نیز، تا زمانی که ضرورت نظامی^۲ ایجاب نکند، تحت حمایت خواهند بود. قاضی ابن براج نیز معتقد است قتل زنان، هرچند که همراه با همسران خود به جنگ و نبرد مشغول شوند، جایز نیست، اما در صورتی که اضطرار و ضرورت نظامی قتل آنها را ایجاب نماید، کشتنشان جایز است (ابن براج، ۱۴۰۶). صاحب جواهر نیز درخصوص احکام زنان و کودکان می نویسد: «قتل زنان جایز نیست، اگرچه به دشمن کمک کند، مگر در هنگام اضطرار که در این شرایط هیچ یک از فقها نظر مخالفی ندارد، علاوه بر این، حتی ایجاد رعب و وحشت در افراد غیرنظامی، از جمله زنان و کودکان جایز نبوده و از نظر محقق کرکی زنان حتی اگر مقاتل نیز باشند، نباید آنها را به قتل رساند.» او معتقد است قتل زنان فقط و فقط در صورت ضرورت امکان پذیر است (محقق کرکی، ۱۴۱۴). علامه حلی در منتهی المطلب می گوید: «به اجماع فقها، کشتن کودکان در جنگ مجاز نیست، همچنین قتل دیوانگان و زنان مشرکین جایز نمی باشد، حتی اگر زنی در مقاتله و جنگ علیه مسلمین شرکت داشته باشد، جز در حالت اضطرار، کشتن او جایز نیست و علت این حکم نیز عموم ادله حرمت قتل غیرنظامیان است» (علامه حلی، ۱۳۷۲). در هر صورت اگر ضرورت، اقتضای نابودی چنین افرادی را داشته باشد، کشتن ایشان، اجماعاً جایز است. در این مسأله هیچ نظر خلافی وجود ندارد و حتی جناب علامه در کتاب منتهی بر این مطلب ادعای اجماع نموده اند.

روایات طلحه بن زید مبهم است^۱، استاد شیخ محمد واعظزاده خراسانی نیز گفته است: «این روایت به نظر اینجانب خالی از اضطراب متن نمی باشد» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷).

۳-۶- آیت... مکارم شیرازی

در مورد مهربانی با اسیران جنگی و رعایت اصول انسانی در مورد آنها روایات فراوانی از پیشوایان اسلام نقل شده است که عظمت تعلیمات اسلام را در این زمینه نشان می دهد:

۱- در حدیثی از امیرالمؤمنین (ع) می خوانیم: هنگامی که عبدالرحمن بن ملجم، با شمشیر بر سر مبارک آن حضرت زد و او را اسیر کردند، به حسن و حسین (ع) فرمود: «إِخْسُوا هَذَا الْأَسِيرَ، وَ أَطْعُمُوهُ وَ اسْقُوهُ وَ آخِشُوا إِسَارَهُ؛ این اسیر را حبس کنید، غذا و آب به او بدهید و در اسارت با او خوش رفتاری کنید» (حمیری، ۱۴۱۳).

۲- در حدیث دیگری از حضرت علی (ع) می خوانیم که فرمود: «إِطْعَامُ الْأَسِيرِ وَ الْإِحْسَانُ إِلَيْهِ حَقٌّ وَاجِبٌ وَ إِنْ قَتَلْتَهُ مِنْ الْغَدَاةِ؛ اطعام اسیر و نیکی به او حق واجبی است، هرچند مستحق قتل باشد و بخواهی او را به قتل برسانی» (حمیری، ۱۴۱۳). این حکم شامل همه اسیران اعم از مؤمن و کافر می شود، همچنین در حدیث دیگری از امام صادق (ع) این حکم با صراحت آمده است: «إِطْعَامُ الْأَسِيرِ حَقٌّ عَلَى مَنْ أَسَرَهُ وَ إِنْ كَانَ يَرَادُ مِنْ الْغَدَاةِ قَتْلُهُ فَإِنَّهُ يَنْبَغِي أَنْ يَطْعَمَ وَ يَسْقَى وَ يَرْفَقَ بِهِ كَافِرًا كَانَ أَوْ غَيْرَهُ؛ غذادادن اسیر حق مسلم است بر کسی که او را در اسارت دارد، هرچند بخواهد او را روز بعد به قتل برساند، در اینجا نیز سزاوار است که غذا و طعام به او بدهند و با او مدارا کنند، کافر باشد یا غیرکافر» (کلینی، ۱۴۰۷).

این نکته نیز حائز اهمیت است که آزادکردن اسیران در برابر غرامت باید تناسب با حال آنها داشته باشد، همان گونه که پیامبر (ص) در مورد اسیران جنگ بدر رعایت فرمود، بلکه می توان در برابر یک کار فرهنگی آنها را آزاد کرد، چنان که در تاریخ آمده است که در یک اقدام مهم تاریخی پس از جنگ بدر از سوی پیامبر (ص) اعلام شد که آن افراد از اسیران جنگی که باسوادند می توانند در برابر تعلیم خواندن و

^۲ - توضیح این که: در صورت اقتضای ضرورت نظامی یا بروز حالت اضطرار، باتوجه به قاعده فقهی «الضرورات تبيح المحظورات» و نیز «الاهم فالهم» میزان حمایت از زنان و کودکان و مصونیت آنها محدود گردیده و پایان می پذیرد.

^۱ - این گفتگو طی جلسه ای در تاریخ ۳۰ آذر ۱۳۸۷ در منزل داماد ایشان جناب حجه الاسلام حاج سید صالح رکنی انجام شد.

۵- حق بر سرنوشت و احکام اسیران جنگی از منظر فقه‌ای اهل تسنن

در مبحث پیش رو قصد داریم به تبیین و تحلیل دیدگاه فقه‌های اهل سنت (شافعی، حنفی و مالکی) در مورد سرنوشت و احکام اسیران جنگی در دین مبین اسلام از چهار منظر: قتل، رق، من و فداء بپردازیم. در ابتدا از منظر دیدگاه فقه‌های شافعی به این موضوع خواهیم پرداخت.

۵-۱- تأملی بر دیدگاه فقه‌های شافعی درباره حق بر سرنوشت و احکام اسیران جنگی

از منظر اندیشمندان مذهب شافعی قتل اسیر در صورتی مجاز است که موجب تقویت دین اسلام و تضعیف دشمن شود. در ادامه بنا داریم به برخی از نظرات فقه‌های شافعی در مورد حکم اسرای جنگی بپردازیم.

۵-۱-۱- محمد بن ادریس

از نظر وی زمانی که اسیران کافر بازداشت شوند و در اختیار امام مسلمین قرار گیرند دو حکم برای آن‌ها متصور است: ۱- رهبر مسلمانان می‌تواند همه یا برخی از آن‌ها را بکشد؛ ۲- رهبر مسلمین می‌تواند همه یا برخی از آن‌ها را آزاد کند، البته تمایزی بین این‌که یک نفر از آن‌ها اسیر شده باشد یا این‌که تمامی سپاهشان اسیر شده باشند، وجود ندارد و بهتر است رهبر مسلمانان، مصلحت اسلام را در قتل یا عدم قتل اسرا در نظر داشته باشد (میرشریفی، ۱۳۹۵).

۵-۱-۲- قاضی ابوالحسن ماوردی

از نظر ماوردی هرگاه اسرای دشمن بر کفر خود باقی بمانند، امام مخیر است که یکی از احکام ذیل را به فراخور موقعیت، درخصوص آن‌ها اعمال کند: ۱- قتل؛ ۲- استرقاق؛ ۳- آزادسازی با فدیة؛ ۴- منت‌نهادن و آزاد نمودن بدون فدیة. او در کتاب الحاوی می‌نویسد: «اگر اسیر قوی بوده و احتمال شرارتش برود و یا این‌که یک فرد صاحب اندیشه باشد که امکان مکر و نیرنگ توسط او محتمل باشد، باید به قتل برسد، اما اگر صاحب یک هنر و حرفه باشد، باید به بردگی گرفته شود، اگر هم متمکن باشد باید از وی فدیة گرفت. اگر شخصیت شناخته‌شده‌ای باشد، باید فدیة آزادی اسرای مسلمان قرار گرفته و نهایتاً اگر در

اسیر خیری وجود داشته باشد و تمایل به اسلام دارد باید بر او منت گذاشته و بدون فدیة آزادش نمایند» (ماوردی، ۱۴۱۴).

۵-۱-۳- فخر رازی

فخر رازی در کتاب معروف خود «تفسیر کبیر» بیان می‌دارد: «علت آن‌که در سوره مبارکه محمد برخورد با اسرا محدود به «من» و «فداء» گردیده، آن است که برده‌گیری از عرب‌ها جایز نبوده»، چه این‌که رسول اکرم (ص) در موارد بسیاری از مردم عرب اسیر گرفت، ولی هیچ موقع آن‌ها را برده نساخت. قتل اسرا نیز بعد از بازداشت توجیه ندارد، چراکه اگر بیان نماییم که خداوند می‌فرماید: «آن‌ها را پیش و پس از دستگیری به قتل برسانید»، با فصاحت قرآن که می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا انْخَسَمُوهُمْ فَتَدُوا الْوَتَّاقَ قَآمًا مِّنَّا بَعْدُ وَاَمَّا فِدَاءٌ» تناسب ندارد. بنابراین امام در مورد اسیران عرب مخیر بین من و فداء است، ولی در مورد اسیران غیرعرب می‌تواند آن‌ها را به بردگی نیز درآورد (ابراهیمی، ۱۳۹۲). گفتار فخر رازی در موضوع عدم جواز قتل اسیران و انحصاری بودن برخورد با آنان بین من و فداء در خور تحسین نیست، زیرا اولاً سیره و عمل پیامبر (ص) قابل تعمیم و یا تضییق نیست؛ ثانیاً پیامبر (ص) از غیرعرب نیز در جنگ‌ها برده نگرفته است، لذا در مورد اسیران غیرعرب نیز راهی جز من و فداء باقی نخواهد ماند.

۵-۱-۴- وهبه الزحیلی

وهبه الزحیلی در کتاب «آثار الحرب فی فقه الاسلامی» ضمن رد نظریه اجتماعی فقه‌های اهل سنت می‌نویسد: «به قتل‌رساندن یا گردن‌زدن برخی از اسرا در صدر اسلام به دلیل شرایط خاص زمانی بوده و این مسأله مشابه آن چیزی است که امروز در قوانین بین‌المللی در مورد جنایتکاران جنگی اعمال می‌گردد.» وی معتقد است که کشتن اسیران در اثنای جنگ به‌جهت عوامل توجیهی آن، از قبیل تداوم جنگ و حالت تهاجمی جایز است، اما اگر اسیر پس از پایان جنگ، دستگیر شود، علاوه بر من و فداء، حکم سومی نیز قابل اجراست و آن بردگی شخص اسیر است، البته این حکم فقط در صورت صلاحدید حاکم شرعی قابلیت اجرا دارد و علت تشریع آن نیز مربوط به وضعیت موجود در صدر اسلام و از باب مقابله به مثل بوده است، البته زحیلی فرقی میان اسارت در حین جنگ و پس از آن قائل نیست و بر این عقیده است که حتی در

مورد اسیران به عهده امام است. از نظر ابویوسف به صرف اعمال گذشته نظامیان، نمی‌توان آن‌ها را به قتل رساند. به نظر وی اسرا را صرفاً در راستای مصالح اسلام و تضعیف دشمن می‌توان به قتل رساند، گرچه خود ابویوسف نظرات بسیاری را نقل می‌کند که قتل اسیران را مکروه دانسته‌اند (حمیدالله، ۱۳۸۶). از نظر وی که در کتاب «الخراج» بیان شده است: «امام بین قتل، گردن‌زدن، آزادی همراه فدیة و غرامت مخیر است» و معتقد است که تصمیم‌گیری در مورد اسرا برعهده امام است، لذا اگر امام تشخیص دهد که اسرا باید کشته شوند، می‌تواند آن‌ها را به قتل برساند و اگر فدیة را بهتر بداند، می‌تواند اسرای مسلمان را با اسرای دشمن معاوضه کند (قاضی ابویوسف، ۱۳۹۹). گفتار ابویوسف تنها یک مصلحت اندیشی سیاسی است و ارتباطی با حکم واقعی ندارد و این موضع‌گیری درواقع برای جلوگیری از تقویت دشمن یا برای ماندن اسرا در سرزمین اسلام و احیاناً تقویت اعتقادات آن‌ها نسبت به شریعت اسلام می‌باشد (ابراهیمی، ۱۳۹۱).

۵-۳- تأملی بر دیدگاه فقهای مالکی درباره حق بر سرنوشت و احکام اسیران جنگی

در این مبحث به تحلیل نظرات برخی از فقیهان شاخص مذهب مالکی همچون مالک بن انس، ابن قدامه، عبدالرحمان بن قاسم عتقی مصری، عبدالسلام سعید مالکی و ابومحمد قیروانی درخصوص حق بر سرنوشت و احکام اسیران جنگی می‌پردازیم.

۵-۳-۱- مالک بن انس

او معتقد است امام درباره اسرای جنگی بین پنج حکم مخیر است؛ ۱- قتل؛ ۲- بردگی؛ ۳- آزادی بدون فدیة؛ ۴- آزادی با فدیة؛ ۵- انعقاد عقد ذمه و اخذ جزیه از آنان.^۲ از نظر مالک بن انس آن بخش از اسرای دشمن که بیم خطر آنان باشد، به قتل می‌رسند (مالک بن انس، ۱۴۲۸).

زمان جنگ نیز اگر فردی اسیر شود، همچنان حق من و فداء و بردگی علاوه بر قتل برای امام محفوظ است (زحیلی، ۱۴۱۹).

وی بعد از تحلیل بسیار درباره قتل اسیر به این نتیجه رسیده است که: «حاصل اختلاف نظر فقیهان در کشتن اسیران به دلیل تعارض ظاهر آیات قرآن با فعل رسول خداست.» توضیح این که ظاهر کلام خدا می‌فرماید: «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ» این است که امام بعد از جنگ حق من و فداء را دارد و آیه «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُبَيِّنَ فِي الْأَرْضِ» که درباره اسیران بدر نازل شده، دلالت می‌کند که قتل در ابتدای امر رسالت، بهتر از بعدگرفتن بوده است^۱ (ابوعبید، ۱۴۰۸)، اما رسول اکرم (ص) در برخی موارد معدود، تعداد کم شماری از اسرا را کشته است. این تعارض به این نحو قابل حل است که قتل اسرا در سنت پیغمبر (ص) محدود به موارد خاصی بوده است؛ گاهی برای نابودی فساد بوده، به‌نجوی که جز با قتل این هدف محقق نمی‌شده است. قاعده تسامح درخصوص اسرا عفو است، چراکه آموزه‌های اسلامی در هنگام قدرت احسان و رحمت را ترجیح می‌دهد.

۵-۲- تأملی بر دیدگاه فقهای حنفی درباره حق بر سرنوشت و احکام اسیران جنگی

در این مبحث به تحلیل نظرات برخی از فقیهان شاخص مذهب حنفی همچون ابوحنیفه نعمان بن ثابت و قاضی ابویوسف درخصوص حق بر سرنوشت و احکام اسیران جنگی می‌پردازیم.

۵-۲-۱- ابوحنیفه نعمان بن ثابت

از نظر ابوحنیفه امام درباره حکم اسیران بین «قتل و رق» مخیر است و «فدیة و من» جایز نیست. آیه سوره انفال «مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى نَاسِخٌ آيَةُ سُورَةِ مُحَمَّدٍ فَمَا مَنَّا بَعْدَ وَ أَمَّا فِدَاءٌ» است (محمصانی، ۱۹۷۸).

۵-۲-۲- قاضی ابویوسف

قاضی ابویوسف از فقهای قرن دوم هجری، امام را مختار بین قتل و فداء دانسته است و معتقد است که تصمیم‌گیری در

^۲ هرچند برخی از فقهای اهل سنت، ازجمله ابن هبیره شیبانی نیز در اختلاف ائمه العلماء، حکم پنجمی هم به نام عقد ذمه و اخذ جزیه ذکر کرده‌اند، ولی این حکم افزون بر آن چهار حکم مشهور نیست، زیرا این نیز نوعی فدیة است. عده‌ای از فقها گفته‌اند امام به اسیران هم می‌تواند بدهد. این حکم هم تقریباً همان من است و حکم مستقل دیگری نیست.

^۱ چون در آن ایام شمار مسلمانان کم بود.

۵-۳-۲- عبدالرحمان بن قاسم عتقی مصری

«از نظر او اصل بر عدم قتل اسرا است، مگر افرادی که بیم خطرشان برود به سبب شجاعت و زیرکی که دارند» (قیروانی، ۱۹۹۹).

۵-۳-۳- عبدالسلام بن سعید بن حبیب تنوخی

از نظر او درخصوص حکم اسیران جنگی امام پیش از آن که اسرای دشمن را زنده باقی بگذارد، در قتل و بردگی آنان اختیار دارد، اما اگر آنان را زنده نگه داشت، دیگر قتلشان جایز نیست (قیروانی، ۱۹۹۴).

۵-۳-۴- ابومحمد عبدالله بن ابی زید قیروانی

«اگر اسیران را در میدان جنگ تقسیم کنند، امام دیگر حق ندارد احدی از آنان را بکشد، هرچند از کسانی باشند که در جنگ ضرباتی زده باشند، تقسیم مانع قتل است» (قیروانی، ۱۹۹۹).

۵-۳-۵- ابن قدامه

از نظر ابن قدامه افرادی که در جنگ اسیر می‌شوند، سه دسته هستند: ۱- زنان و کودکان که قتل آن‌ها جایز نیست و به محض اسیر شدن برده می‌شوند؛ ۲- مردان اهل کتاب و مجوس که پرداخت جزیه را قبول داشته و امام درباره آن‌ها بین ۴ حکم مخیر است: قتل، من، فداء و رق؛ ۳- مردان بت‌پرستی که پرداخت جزیه را قبول نداشته و امام درباره آن‌ها بین سه حکم مخیر است: قتل، من و فداء^۱ (رق جایز نیست). ابن قدامه معتقد است که طرفداران قیاس و رأی عقیده دارند که امام باید یا اسرای جنگ را به قتل برساند و یا برده بگیرد، زیرا خداوند متعال پس از آیه «فَأَمَّا مَنْ بَعْدُ وَإِذَا فُتِدًا» فرموده است: «مشرکان را هر کجا یافتید به قتل برسانید» و دلیل دیگر، عمل عیاض بن عقبه و عمر بن عبدالعزیز است که اسرا را می‌کشتند (ابن قدامه، ۱۴۱۷). از گفتار ابن قدامه چنین نتیجه‌گیری می‌شود که اولاً بسیاری از اهل سنت آیه «أَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ» را ناسخ آیه «فَأَمَّا مَنْ بَعْدُ وَإِذَا فُتِدًا»

گرفته‌اند؛ ثانیاً مستند این‌ها در جواز قتل و برده‌گیری، قرآن و سنت نبوده، بلکه روش عمر بن عبدالعزیز و عیاض بن عقبه بوده است و شخص ابن قدامه نیز هرچند ناسخ‌بودن آیه «أَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ» را نپذیرفته، ولی استناد به سیره عمر بن عبدالعزیز را ظاهراً تمام دانسته، زیرا او نیز همان چهار وجه را در مورد اسرای اهل کتاب بیان داشته است: ۱- قتل؛ ۲- آزادی با مال یا بدون مال؛ ۳- معاوضه با اسیران مسلمان؛ ۴- برده گرفتن، ولی در مورد اسرای غیراهل کتاب، تنها «من و فدا و قتل» را جایز می‌داند. در گفتار فوق اشکال‌های متعددی به چشم می‌خورد و آن این‌که برای درک احکام اسلام و مبانی آن نمی‌توان به این‌گونه دلایل سست و بی‌پایه استناد کرد، البته چنین روشی در میان بعضی از فقه‌های اهل سنت متداول بوده است، ولی به هر صورت نمی‌توان این‌گونه آرای غیرمستند را به حساب اسلام گذاشت (ابراهیمی، ۱۳۹۱).

۶- جایگاه استرقاق از دیدگاه مذاهب فقهی اهل سنت

اکثر فقیهان اهل تسنن قتل اسیر و استرقاق او را مجاز می‌دانند؛ با این تمایز که فقیهان اهل تسنن در مورد اسیرایی که قبل از فروپاشی جبهه دشمن اسیر شده‌اند و اسرای پس از شکست دشمن، هیچ تفاوتی در نظر نگرفته و در مورد همه اسرا امام را بین ۴ حکم: قتل، استرقاق، من و فداء مختار می‌داند تا به تشخیص خود هر کدام از این احکام را که صائب تشخیص دهد، اعمال نماید. فقیهان اهل سنت در یک نظر اجماعی، به بردگی گرفتن زنان و اسیران جنگی را برای حکومت اسلامی جایز دانسته و در پاسخ این ایراد که چرا در هیچ کدام از آیات قرآن صحبتی از جواز بردگی نیامده است، می‌گویند: مفهوم «فَشْدُوا الْوُثَاقَ» در آیه ۴ سوره محمد جواز استعباد می‌باشد و ابتدا که کفار از جهت نظامی نسبت به مسلمانان برتری داشتند، اسرای جنگی اگر کشته نمی‌شدند، به بردگی می‌رفتند، ولیکن با اقتدار روز افزون اسلام اجازه آزاد نمودن اسیران و یا تبادل آنان به دو کلمه گفته شده اضافه گردید. از آیه «فَشْدُوا الْوُثَاقَ فَأَمَّا مَنْ بَعْدُ وَإِذَا فُتِدًا» بسیار عجیب به نظر می‌رسد که جواز استرقاق استنباط شود، زیرا «فَشْدُوا الْوُثَاقَ» معنای استیلای کامل بر آحاد دشمن را می‌رساند و به اسارت‌درآوردن آن‌هاست و این معنی هیچ‌گونه ملازمت عرفی و عقلی با استرقاق ندارد و از طرفی «شد

^۱ خوب است این مطلب را یادآور شویم که برخی از فقه‌های شیعه و سنی گفته‌اند اسیر اگر کافر غیرکتابی، یعنی بت‌پرست باشد، استرقاق او جایز نیست، ولی گروهی دیگر بر این باورند که حکم استرقاق درباره کلیه اسیران اعم از کتابی و غیرکتابی جاری است و به بردگی گرفتن آنان مانعی ندارد.

واما فداء» و برخی دیگر معتقدند که حاکم اسلامی می‌تواند آن‌ها را به بردگی بگیرد یا به قتل برساند، اما اکثر فقهای اهل سنت اعتقاد دارند که حاکم اسلامی در صورتی که صلاح بداند می‌تواند، اسیران را با اخذ فدیة یا حتی بدون آن آزاد نماید. همچنین می‌تواند آن‌ها را برده نموده و یا در صورت لزوم بکشد. از سوی دیگر برخی از پیروان مذاهب چهارگانه اهل سنت، اشخاصی را که دارای کتاب آسمانی نیستند، شایسته بردگی ندانسته و اعتقاد دارند که در صورتی که آن‌ها مسلمان نشوند و حاکم اسلامی نیز صلاح نداند که بتوان آن‌ها را با اخذ فدیة یا بدون دریافت فدیة آزاد نمود، به قتل خواهند رسید، چنانچه پیروان ابوحنیفه اعتقاد دارند که نمی‌توان از مشرکان عرب برده گرفت و پیروان احمد بن حنبل هم معتقدند که اسرای که دارای کتاب آسمانی نیستند، صلاحیت بردگی نداشته و در صورت عدم صلاحیت جهت آزادیشان، به اعدام محکوم خواهند شد (ابراهیمی، ۱۳۹۱).

۹- دیدگاه مشهور فقهای اهل سنت در خصوص زنان و کودکان

همه علمای اهل سنت به اجماع کشتن زنان و کودکان بعد از اسارت را جایز نمی‌دانند و فرقی بین اسرای اهل کتاب و یا اسیران هر قوم دیگری قائل نشده‌اند (غزالی، ۱۹۹۱)، البته ابن قدامه در کتاب فقه تطبیقی خود (المغنی) در مورد زنان و کودکان کشتن را جایز نمی‌داند و علت را به حدیث پیامبر (ص) مستند می‌کند که: «نهی عن قتل النساء و الولدان» (ابن قدامه، ۱۴۱۷).

از منظر بیشتر فقیهان اهل تسنن اگر زنان جزء رزمندگان باشند، قتل آنان مجاز است (نوی، ۱۳۹۲). فلسفه‌اش نیز آن است که عدم جواز قتل زنان در روایات، به علت رزمندگی نبودنشان است و چون حکم در فرض مقاتل بودنشان متفاوت است، لذا قتل آن‌ها در فرض جنگجو بودن جایز است. به همین دلیل در جنگ بنی قریظه پیامبر اکرم (ص) فرمان دادند زنی را که به سوی محمود بن سلمه نیزه پرتاب کرده بود، به قتل برسانند (عراقی، ۱۴۱۴). همچنین محمد بن ادریس معتقد است که قتل صاحبان مشاغل و افراد دارای فن

الوثاق» در اصل تقسیم‌کننده دو حالت «من» و «فداء» می‌باشد، درحالی که اگر معنی «شد الوثاق» استرقاق باشد خود حالت سوم در مقابل این دو حالت به حساب می‌آید و غیر قابل تقسیم به دو حالت «من» و «فداء» خواهد بود، بلکه می‌توان گفت که دلالت آیه بر نفی استرقاق، از باب مفهوم حصر معقول‌تر به نظر می‌رسد (شوکانی، ۱۴۱۴).

۷- جایگاه من و فداء در مذاهب فقهی اهل تسنن

اکثر فقیهان حنفی مشروعیت «من» را رد نموده‌اند، چراکه آن را باعث تضییع حقوق رزمندگان مسلمان و امکان بازگشت اسیر دشمن به جبهه و تقویت جناح کفر می‌دانند و صرفاً در برخی موارد خاص که حکومت اسلامی به فراخور زمان آن را درست تشخیص می‌دهد، «من» را جایز می‌دانند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷). همچنین ایشان «فداء» در راستای تبادل اسیران و در مقابل دریافت غرامت را باطل می‌دانند، چراکه با قصد اسلام که گرویدن کفار به اسلام است، مغایر بوده و اکثر فقهای حنفی آیات سوره توبه را ناسخ آیه «من و فداء» می‌دانند (کاشانی، ۱۴۰۹).

البته از میان فقهای حنفی همان‌طور که قبلاً نیز آمد، قاضی ابویوسف قبل از تقسیم غنائم فداء را جایز می‌داند و برخی دیگر نیز معتقدند در صورت نیاز شدید حکومت اسلامی به تقویت مالی فداء جایز است. راه دیگری که فقهای مالکی و حنفی در رفتار با اسرای جنگی برای دولت اسلامی گشوده‌اند، عبارتست از این‌که: امام می‌تواند اسیر را آزاد و با آن‌ها قرارداد ذمه منعقد نماید تا در دارالاسلام طبق شرایط ذمه زندگی نمایند. فقهای شافعی نیز رفتار با اسیران جنگی را از چهار حالت خارج ندانسته‌اند: ۱- قتل؛ ۲- استرقاق؛ ۳- من؛ ۴- فداء، ولی قبول قرارداد ذمه را مانع الجمع با چهار مورد گفته شده ندانسته، ولی جایگزین آن‌ها نیز به حساب نیاورده‌اند (ابن قدامه، ۱۴۱۷).

۸- تشتت آرای فقهای اهل تسنن در خصوص احکام اسیران جنگی

برخی از فقهای متقدم اهل سنت مانند حسن بصری و سعید بن جبیر اعتقاد دارند که ملاک چگونگی رفتار با اسرا، آیه چهارم سوره مبارکه محمد است که بیان می‌دارد: «فَإِذَا مَنَا بَعْدُ

و حرفه و کسانی که در جنگ حضور نداشته‌اند و سلاح در دست نگرفته‌اند، جایز نیست (نجفی، ۱۴۳۰).

ابوبکر کاشانی نیز معتقد است که اصل تفکیک باید رعایت شده و کشتن زنان، کودکان و سالخورده‌گان مجاز نیست، چراکه این افراد توانایی جنگ نداشته، لذا مصون از تجاوز و کشتار هستند، اما در صورتی که هریک از این افراد مزبور، وارد جنگ و پیکار شوند، به قتل خواهند رسید. همچنین اگر آن‌ها رزمندگان دشمن را ترغیب و تهییج به مبارزه علیه اسلام نمایند و یا این که دشمنان اسلام را از منظر تجهیزات، طراحی جنگ و اسرار نظامی مسلمانان مطلع سازند یا این که کافران از نظر آن‌ها استفاده کنند و به تبعیت از ایشان بپردازند، در همه موارد اخیر، حتی اگر آن فرد زن یا کودک باشد به قتل خواهد رسید، چراکه معنای مبارزه و نبرد در چنین مصادیقی مشهود است (کاشانی، ۱۴۰۹). وهبه الزحیلی نیز اعتقاد دارد قتل و نبرد با کودکان، زنان، پیران، بیماران و ... جایز نیست، چراکه این افراد بی‌گناه [و فاقد اهلیت مبارزه] هستند (زحیلی، ۱۴۱۹)، البته این مصونیت از حمله و قتال تا زمانیست که ایشان اقدام به مبارزه نکرده باشند (سرخسی، ۱۴۱۷).

۱۰- تأثیر اسلام آوردن در حکم اسیران جنگی از منظر برخی فقهای مسلمان

درخصوص تأثیر اسلام آوردن اسیران جنگی بر حکم مترتب بر آن‌ها، می‌توان اذعان نمود که فقها اجماع دارند که اگر اسیر مسلمان شود، چه در حین جنگ و چه بعد از جنگ و حتی بعد از فرار، قتل از وی ساقط می‌شود، یعنی تحت هیچ شرایطی نمی‌توان او را به قتل رساند و اگر دارای فرزندان نابالغ باشد، آن‌ها نیز باید آزاد شوند (یوسف بن عبدالله، ۱۴۱۳). برخی از فقها معتقدند که مادامی که به اسیر اسلام عرضه نشود، نباید او را کشت، اما اگر دین اسلام بر او عرضه شد و قبول نکرد، می‌توان وی را به قتل رساند (کندی سمدی، ۱۴۰۳). گروهی از فقیهان شیعی نیز درخصوص تأثیر اسلام آوردن بر حکم اسرای جنگی به حدیث امام زین‌العابدین استناد می‌کنند که فرمود اسیر زمانی که مسلمان شد خودش را محفوظ نموده و جزء غنایم می‌باشد (میرشریفی، ۱۳۹۵). نهایتاً بعضی دیگر از فقها معتقدند اگر اسیر مسلمان شود، حکم استرقاق نیز از او

ساقط می‌گردد و دیگر نمی‌توان او را به‌عنوان برده، نگه داشت. اسلام آوردن پس از اسارت هیچ تأثیری در حکم بردگی یا آزادی یا فدیة و یا بدون فدیة آن‌ها ندارد، ولی اگر آن‌ها قبل از اسارت اسلام بیاورند، جان و مالشان محفوظ است و آزاد خواهند بود، هرچند که آن‌ها در موقعی که در محاصره باشند و امکان اسارت آن‌ها زیاد باشد، اسلام آورده باشند (حجازی، ۱۳۹۴).

در ادامه قصد داریم به تبیین برخی از نظرات فقهای مسلمان درخصوص تأثیر اسلام آوردن در حکم اسیران جنگی بپردازیم.

۱۰-۱- قطب‌الدین راوندی

از نظر راوندی اسرا چه در میدان جنگ و چه پس از خاتمه جنگ، مسلمان شوند همه احکام اسارت از آنان ساقط می‌شود (راوندی، ۱۴۰۵).

۱۰-۲- ابن قیم جوزیه

از نظر ابن قیم جوزیه به‌عنوان احدی از فقهای اهل تسنن سنت پیامبر (ص) بر این مبنا بود که هریک از اشخاص اگر قبل از به اسارت درآمدن مسلمان می‌شدند به هیچ عنوان برده نمی‌شدند (مجلسی، ۱۴۲۳).

۱۰-۳- سید محمد طباطبایی حائری

از نظر حائری اگر اسیران در زمان جنگ مسلمان شوند، حکم فداء و رق از آن‌ها برداشته می‌شود و صرفاً حکم من بر آن‌ها جاری می‌شود و باید آزاد شوند (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸).

نتیجه‌گیری

در مورد حقوق اسیران جنگی از نظر فقیهان مسلمان (اهل سنت و شیعه) نه‌تنها پراکندگی آرا وجود ندارد، بلکه می‌توان به ضرس قاطع بیان داشت که در این خصوص کاملاً هماهنگی بین آنان مشاهده می‌شود. مصادیقی، ازجمله حق اسیران جنگی بر هدایت و ارشاد، حق بر رفتار انسانی با اسیران جنگی، حق بر احترام و احسان اسیران جنگی و تأکید بر منع شکنجه، اصل برائت اسیران جنگی، تأمین جانی اسیران جنگی، حق بر حفظ وحدت و حقوق خانوادگی و ارتباط با خانواده، حق بر رفتار رفتار رئوفانه با اسرای مجروح در پرتو حق بهداشت و درمان، حق کاراسیران جنگی (نه الزام

نظر مشهور فقهای شیعه: فقهای شیعه برخلاف فقهای اهل سنت که تفکیکی بین سرنوشت اسیری که در حین جنگ و پس از خاتمه جنگ به اسارت درمی‌آید، قائل نیستند، اما شیعیان قائل به تفکیک درخصوص سرنوشت چنین اسیرانی (حین جنگ و پس از جنگ) می‌باشند. براساس نظریه شیخ طوسی و اکثر فقهای شیعه، اگر اسیر در حال درگیری و قبل از پایان جنگ، دستگیر شود نگهداری آن جایز نیست و باید مانند سایر دشمنان در حال جنگ، کشته شود. تنها راه برای زنده ماندن وی مسلمان شدن است که مانع از کشته شدن وی می‌گردد و مسلمانان باید از او در برابر صدمات و تعرضات دشمن نسبت به او دفاع نمایند، اما اگر دستگیری اسیر پس از پایان جنگ انجام گیرد، او توسط امام نگهداری می‌شود و دولت اسلامی می‌تواند درباره او یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ نماید:

۱- اسیر را آزاد نماید و بدون دریافت غرامت یا مبادله به حال خود بگذارد؛ ۲- اسیر را با اسرای مسلمان که در دست دشمن هستند مبادله کند؛ ۳- در مقابل آزاد نمودن اسیر غرامت بگیرد؛ ۴- اسیر را به بردگی بگیرد. در فرض دستگیری اسیر پس از پایان جنگ، امام نمی‌تواند اسیر را به قتل برساند. شیخ طوسی پس از آن که این موارد تخییر را به‌طور مطلق و بدون فرق‌گذاشتن بین معتقدات اسیران بیان می‌کند، در مبحثی تحت عنوان «حکم‌الاساری» بین اسرای اهل کتاب و اسرای بت‌پرست تفاوت قائل می‌شود و چنین بیان می‌نماید که: اگر اسیری که مرد و بالغ است از اهل کتاب باشد، امام مخیر بین امور پیش‌گفته است، اما اگر اسیر از بت‌پرستان باشد، امام تنها می‌تواند در مورد آن یکی از دو تصمیم را اتخاذ نماید: یا در مقابل آزادی او غرامت بگیرد و یا بدون قید و شرط چنین اسیری را آزاد نماید، اما استرقاق از چنین اسیری جایز نیست، چرا که دین او چون اهل کتاب پذیرفته نمی‌باشد.

حنفی: فقیهان شاخص مذهب حنفی (ابوحنیفه نعمان بن ثابت و قاضی ابویوسف) درخصوص احکام اسیران جنگی از یک موضع اتفاق نظر دارند و از موضع دیگر اختلاف نظر. هردوی این فقیهان معتقدند که امام می‌تواند در صورت اقتضای شرایط و مصلحت نظام اسلامی به قتل اسیر جنگی مبادرت

بر آن، حق بر مالکیت اموال شخصی غیرجمعی، حق بر اطعام مناسب اسیران جنگی، حق بر آب اسیران جنگی، حق بر احسان مناسب اسیران جنگی، حق بر پوشاک مناسب اسیران جنگی، حق بر آزادی اسیران جنگی و ... برای اسرای جنگی در نظام حقوقی اسلام پذیرفته شده است. مجموعه‌ای از حقوق مذکور که فقیهان مسلمان بر آن اذعان نموده‌اند، امروز مؤید این معناست که در نظام حقوقی اسلام با یک سبقه تاریخی چهارده قرنی فقیهان این دین مبین با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و در پرتو آیات قرآن کریم، رویکرد پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) کاملاً به حقوق حق اسیران جنگی معترف بوده و در این زمینه کاملاً با یکدیگر هم‌سو و هم‌جهت هستند.

برخلاف اتفاق نظر در مورد حقوق اسیران جنگی از منظر فقهای مسلمان، در مورد احکام اسیران جنگی اختلاف نظر وجود دارد. شیوه برخورد با اسرای جنگی در فقه بسیار متنوع است، اما در هر صورت باید این نکته را در نظر داشت که تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت اسرا در هر برهه‌ای از زمان به حکومت و مقامات صالح سپرده شده است و باید به این نکته توجه نمود که هیچ اسیری، تحت هیچ عنوانی اسیر فرد یا گروهی که او را به اسارت گرفته نمی‌باشد. به همین جهت است که پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «زنهار که احدی در امور اسیر جنگی برادر خود دخالت نموده و او را به قتل برساند»، آنچه که از نصوص دینی مستنبط می‌شود، این است که هم به لحاظ حکمی و هم به لحاظ موضوعی تشخیص قتل اسیر جنگی در حیطه اختیار امام بوده و امام است که می‌تواند حکم به قتل یا عدم قتل اسیر بدهد. برخلاف این که فقیهان مسلمان درخصوص حقوق اسیران جنگی تقریباً اجماع نظر دارند (چهبسا با کیفیت‌های بعضاً مختلف)، اما در زمینه احکام اسیران جنگی بین فقیهان مسلمان (شیعیان و اهل تسنن) و حتی بین خود مذاهب چهارگانه اهل سنت تعارضاتی وجود دارد. در اینجا قصد داریم جهت جمع‌بندی پایانی به نظرات فقهای مسلمان درخصوص احکام اسیران جنگی و سرنوشت آن‌ها بپردازیم.

نماید، اما ابوحنیفه نعمان بن ثابت کلاً فدیة و من را جایز ندانسته، این درحالی است که قاضی ابویوسف معتقد است که امام می‌تواند حکم آزادی همراه فدیة و غرامت را برای اسیر جنگی در نظر بگیرد، البته ابوحنیفه نعمان بن ثابت علاوه بر قتل به حکم استرقاق نیز معتقد است و اذعان می‌نماید که سوره «انفال» ناسخ سوره «محمد» درخصوص حکم اسیران جنگی است و استرقاق ناسخ منت‌نهادن و فداء به‌شمار می‌آید.

شافعی: از دیدگاه فقه‌های مذهب شافعی به قتل‌رساندن اسیر در صورتی جایز است که موجب تقویت اسلام و تضعیف جبهه کفر شود، هرچند که بین فقه‌های شافعی همچون «محمد بن ادریس، قاضی ابوالحسن ماوردی، فخر رازی و وهبه الزحیلی» تا حدی اختلاف نظر وجود دارد، اما عموم آن‌ها معتقدند که امام درخصوص اسیر جنگی مخیر است که یکی از چهار حکم قتل، استرقاق، آزادسازی با فدیة و یا منت نهادن بدون اخذ فدیة را اعمال نماید.

مالکی: از نظر مشهورترین فقه‌های مالکی همچون «مالک بن انس، عبدالرحمان بن قاسم عتقی مصری، عبدالسلام بن سعید بن حبیب تنوخی، ابن قدامه و ...» امام درباره اسیران جنگی بین احکام چهار یا بعضاً پنج‌گانه‌ای مخیر است که آن‌ها عبارتند از: ۱- قتل؛ ۲- استرقاق؛ ۳- آزادی بر اثر منت نهادن و بدون اخذ فدیة؛ ۴- آزادی با اخذ فدیة؛ ۵- انعقاد عقد ذمه و اخذ فدیة از آنان، البته بین فقیهان مالکی بعضاً اختلاف نظرهایی نیز وجود دارد که در طول پژوهش به آن‌ها اشاره شده است، اما قاطبه فقه‌های مالکی معتقدند که اصل بر عدم قتل اسیران است، مگر افرادی که بیم خطرناک‌بودن آن‌ها برود و یا این‌که اسیر اسلام نیاورد که در چنین فرضی به یکی از دو حکم استرقاق یا قتل محکوم می‌شوند.

حنبلی: از نظر فقه‌های حنبلی حاکم اسلامی در انتخاب سه حکم مخیر است: کشتن، استرقاق و آزادی، البته آن‌ها اعتقاد دارند که مشرکین عرب و مرتدین نه به بردگی گرفته می‌شوند و نه آزاد می‌شوند و در فرضی که مسلمان نشوند، لزوماً باید به قتل برسند در این خصوص حنبلی‌ها به آیه ۱۶ سوره مبارکه فتح استناد می‌نمایند که به‌نظر می‌رسد نظر

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش تمام مقاله برعهده نویسنده بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزارم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه.

- ابراهیمی، محمد (۱۳۹۱). *اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی*. جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.

- ابراهیمی، محمد (۱۳۹۲). *نگاهی تطبیقی به حقوق اسیران در حقوق بین‌الملل و اسلام*، در: *اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌الملل، تهران: انتشارات میزان.

- ابن براج، قاضی (۱۴۰۶). *المهذب*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- ابن قدامه، عبدالله (۱۴۱۷). *المغنی*. محقق عبدالفتاح محمد حلو و عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، ریاض: دارعالم الکتب.

- ابوعبید، قاسم (۱۴۰۸). *الاموال*. بیروت: دارالفکر.

- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد (۱۳۸۷). *الجمال و العقود فی العبادات*. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: المکتبه المرتضویه.

- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد (۱۴۰۰). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت: دارالکتاب العربی.

- طباطبائی حائری، سید علی بن سید محمد علی (۱۴۱۸). *ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل*. تحقیق مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

- طباطبائی محمدحسین (۱۳۶۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد دوم، پنجم، نهم و چهاردهم، قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی.

- عراقی، آقاضیاءالدین علی (۱۴۱۴). *شرح تبصره المتعلمین*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- علامه حلی، ابومنصور جمالالدین حسن (۱۳۷۲). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

- غزالی، محمد (۱۹۹۱). *راجع المنقذ من الضلال*. بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.

- فاضل مقداد، مقداد (۱۳۴۳). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. مصحح محمدباقر شریفزاده و محمدباقر بهبودی، جلد اول، تهران: نشر مرتضوی.

- فراهیدی، خلیل (۱۴۱۴). *کتاب العین*. قم: انتشارات اسوه.

- قاضی ابویوسف (۱۳۹۹). *کتاب الخراج*. بیروت: دارالمعرفه.

- قیروانی، ابن ابی زید (۱۹۹۹). *النوادر و الزیادات*. بیروت: دارالغرب الاسلامی.

- قیروانی، ابومحمد عبدالله (۱۹۹۴). *الجهاد حسب المذهب المالکی مع تحقیق کتاب الجهاد من کتاب النوادر و الزیادات*.

- احمدی میانجی، علی (۱۴۲۲). *الاسیر فی الاسلام*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

- ترمذی، محمد (۱۴۲۶). *الاختیارات الفقیه*. جمع و ترتیب ابومالک محمد بن حامد، قاهره: المکتب الاسلامی لاحیاء التراث.

- حجازی، محمدعلی (۱۳۹۴). *حقوق اسیران جنگی*. تهران: انتشارات میزان.

- حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۳). *الکافی فی الفقه*. اصفهان: کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین (ع).

- حمیدالله، محمد (۱۳۸۶). *سلوک بین الملل دولت اسلامی*. ترجمه سیدمصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

- حمیری، عبدالله (۱۴۱۳). *قرب الاسناد*. مصحح مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت.

- راغب اصفهانی، حسن (۱۴۱۶). *مفردات الفاظ قرآن کریم*. بیروت: دارالعلم.

- راوندی، قطبالدین سعید (۱۴۰۵). *فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام*. قم: کتابخانه آیت... مرعشی.

- رشید، احمد (۱۳۵۳). *اسلام و حقوق بین الملل عمومی*. ترجمه حسین سیدی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

- زحیلی، وهبه (۱۴۱۹). *آثار الحرب فی الفقه الاسلامی*. دمشق: دارالفکر.

- سرخسی، محمد (۱۴۱۷). *شرح کتاب السیر الکبیر للامام محمد بن حسن الشیبانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۲). *حقوق بشردوستانه در اسلام*. در: *اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه*. جمعی از نویسندگان، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین الملل. تهران: انتشارات میزان.

- شوکانی، محمد (۱۴۱۴). *نیل الاوطار*. بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع.

- تحقیق مانیاس فون بریدو، بیروت: المعهد الالمانی للابحاث الشرعیه.
- کاشانی، ابوبکر (۱۴۰۹). *بدائع الصنائع*. پاکستان: المکتبه الحبییه.
- کلینی، ابوجعفر محمد (۱۴۰۷). *اصول الکافی (ط)* – (الاسلامیه). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، ابوجعفر محمد (۱۴۰۷). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کندی سمدی ننروی، ابوبکر احمد (۱۴۰۳). *المصنف*. تحقیق سالم بن حمد بن سلیمان حرائی و همکاران، عمان: وزاره التراث القومی و الثقافه، تاریخ مقدمه التحقيق.
- مالک بن انس (۱۴۲۸). *مناهج التحصیل و نتائج لطائف التاویل فی شرح المدونه و حل مشکلاتها*. بیروت: دار ابن حزم.
- ماوردی، علی (۱۴۱۴). *الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی رضی الله عنه و هو شرح مختصر المزنی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۳). *زاد المعاد*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر (۱۳۸۹). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد دوم، بیروت: کتاب الجهاد.
- محقق کرکی، علی (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- محمضانی، صبحی رجب (۱۹۷۸). *الاوزاعی و تعالیمه الانسانیة و القانونیه*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱). *فقه الامام الصادق*. قم: مؤسسه انصاریان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *پیام قرآن*. جلد دهم، قم: مؤسسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
- مکی عاملی، شمس الدین محمد (۱۴۱۷). *الدروس الشرعیه*. جلد دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۸). *حکومت دینی و حقوق اسلام*. قم: گواهان.
- میرشریفی، سیدعلی (۱۳۹۵). *سرنوشت اسیر در اسلام بررسی تاریخی فقهی*. تهران: انتشارات سمت.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۳۰). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نووی، ابوزکریا محیی الدین یحیی (۱۳۹۲). *المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج*. چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- هاشمی بصری، محمد (۱۴۱۰). *الطبقات الکبری*. تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- یوسف بن عبدالله، ابوعمر (۱۴۱۳). *الکافی فی فقه اهل المدینه*. بیروت: دارالکتب العلمیه.